

کریس رونالدو و نیمار دوگانه تلاش و استعداد

۵ فوریه تولد ۳۳ سالگی نیمار و ۴۰ سالگی کریس رونالدو، دو فوق ستاره فوتبال جهان است که این روزها شرایط کاملاً متفاوتی را تجربه می کنند؛ درخشش کریس و محو شدن نیمار ما را با این سوال جدی مواجه می کند که برای موفقیت و در اوج بودن، استعداد مهم تر است یا پشتکار؟

صابری پنجم فوریه روز جالبی است چون دو فوق ستاره جذاب دنیای فوتبال با فاصله ۷ سال در این روز به دنیا آمدند؛ کریس رونالدوی جاه طلب و پر تلاش و نیمار با استعداد اما نسبتاً تنبل. دو فوتبالیستی که این روزها شرایط کاملاً متفاوتی را سپری می کنند. کریس رونالدو هر چند مدت هاست که در لیگ عربستان بازی می کند اما همچنان می درخشد و مرکز توجه است؛ در تیم ملی کشورش رکوردهای عجیب و غریبی را جابه جا می کند و دو شنبه شب هم در جریان لیگ نخبگان آسیا با پرشی بلند که نشانی از ورود به چهل سالگی در آن نبود، یک گل زیبا زد. آن طرف نیمار، بازیکنی که ۷ سال جوان تر است اما دو سالی است که به خاطر مصدومیت و بدشانسی از فوتبال محو شده. او بعد از ۶ فصل نسبتاً ناموفق در پاریس با قرار دادی عجیب و غریب به الهلال پیوست؛ اما حضورش توأم با مصدومیت پیاپی بود؛ طوری که طی حدود یک فصل و نیم فقط ۷ بازی در این تیم انجام داد که نتیجه اش فقط یک گل مقابل نساجی در ورزشگاه آزادی بود. حالا نیمار برای بازگشت به اوج به سانتوس رفته، تیم روزهای نوجوانی اش. شرایط متفاوت این دو بازیکن در نوع خودش جالب است و هر چند ظاهر ماجرا فوتبالی است اما می تواند درس های مهمی برای زندگی ما در ابعاد مختلف داشته باشد. به خصوص اگر دنبال پاسخ به این سوال باشیم که برای موفقیت استعداد لازم است یا تلاش؟ استعداد را چطور می توان در مسیر موفقیت قرار داد و اگر بی استعداد باشیم با چه سطحی از تلاش می توانیم در یک زمینه دیده شویم؟



جدال نبوغ نیمار با جاه طلبی کریس



سکانس اول: ظهور ۲ ستاره

کریس رونالدو ۵ فوریه ۱۹۸۵ در خانواده ای بسیار فقیر به دنیا آمد. او روزهای تمرین نوجوانی را به خاطر می آورد که منظر بود مشتریان رستوران ها از سر میز بلند شوند تا در فرصتی مناسب بتواند باقی مانده های غذا را بخورد تا انرژی لازم برای تمرین را داشته باشد. اما خیلی زود دیده شد. وقتی یکپام از منچستر ترف کریس ۱۸ ساله جای او را گرفت و هیچ کس باورش نمی شد این بازیکن که آن زمان بیشتر در پست وینگر و هافبک راست بازی می کرد، روزی بهترین شود. نیمار هم ۵ فوریه ۱۹۹۲ به دنیا آمد. او هم مثل بیشتر فوتبالیست ها از خانواده ای فقیر بود و برای همین می دانست فوتبال تنها راه ثروتمند شدنش خواهد بود. اما مسئله همین جاست که گاهی ثروت هم می تواند اشباع کننده باشد اگر جاه طلبی بیشتری نداشته باشی. اما در آغاز راه بی بدیل بود. ۱۷ سالگی باتیم بزرگ سالان سانتوس درخشید. در اولین فصل حضورش ۱۴ گل زد. ۱۸ ساله که بود به شدت چشم هارا خیره کرد. درخشش او در این سن را می توان از مسی و رونالدو هم در همان سن بیشتر دانست. او فقط ۱۸ سال داشت که با پیراهن سانتوس و طی یک فصل ۴۲ گل زد.

سکانس دوم: ستاره هایی که جهانی شدند
کریس در منچستر بی نظیر بود؛ اما برای بهترین بودن نیاز به زمینه بزرگتری داشت و رتال را انتخاب کرد. جایی که دوگانه او و مسی شکل گرفت. شاید ظهور مسی برای کریس الهام بخش بود تا بتواند رکوردها را جابه جا کند. آن طرف نیمار در ۲۱ سالگی به بارسافت تا مثلث جذاب او، مسی و سوارز شکل بگیرد. نیمار زود مطرح شد و چنان با استعداد بود که مرکز توجه قرار گرفت. اولین نشانه های این که موفقیت های بزرگ چندان برایش جدی نیست را می شد در همان فصل های اول حضورش در بارسا دید. انتقال پر هزینه اش به پی اس جی

او را در مرکز توجه قرار داد. چیزی که برایش کافی بود؛ چون بدون تلاش در مرکز اخبار بود. چیزی را هم که به سختی و مبتنی بر حاشیه، خبرسازی با استعداد به دست بیاوری برای حفظش نمی جنگی و افول نیمار از همان ۲۵ سالگی و در پاریس شروع شد. هر چند در تیم ملی کشورش همچنان پیش می رفت. در این بین نیمار بدشانسی هایی هم داشت؛ منچستر ترف کریس ۱۴ ۲۰ جام جهانی درخشد؛ اما مصدومیتی سخت دامنش را گرفت تا بعد از او برزیل به زنگ تفریح رقبا تبدیل شود. در جام های جهانی بعدی هم تیمی یکدست که مدعی باشد را از برزیل ندیدیم تا نیمار در روزهای بدی ستاره این تیم باشد. از آن طرف کریس در تیم ملی و یورو درخشید اما جام های جهانی چندان برایش خوب نبود.

سکانس سوم: این روزهای ۲ ستاره

نیمار در ۳۱ سالگی که طبیعتاً نباید روزهای پیاپی یک فوق ستاره باشد به الهلال رفت. آن هم در حالی که لوکا مودریچ ۳۹ ساله با لواندوفسکی ۳۵ ساله در رئال و بارسا می درخشند. اما آن جا هم بخت یارش نبود. هر چند مصدومیت اتفاقی تلخ است اما سبک زندگی متفاوت بازیکنی مثل تیمار در بروز و تداوم مصدومیت ها بی تاثیر نیست. او بزرگترین خسارت تاریخ فوتبال عربستان است که میلیون ها دلار برایش خرج شد اما در کمتر از ۱۰ بازی به میدان رفت. در طرف مقابل کریس رونالدو تا این جای فصل برای النصر که تیم اول عربستان هم نیست ۲۳ گل زده، فصل قبل هم به عدد جالب ۵۰ گل در لیگ داخلی اسیارسید. کریس در حالی امروز شمع های تولدش را فوت می کند که ۱۵۳ گل ملی و ۷۸۸ گل باشگاهی را در کارنامه دارد و با این سن و سال همچنان می تازد؛ برای همین بعید نیست در جام جهانی بعدی با پیراهن پرغال ببینیم؛ اتفاقی که بعید است برای نیمار با پیراهن برزیل بیفتد.

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳
۶ شعبان ۱۴۴۶ • ۵ فوریه ۲۰۲۵
شماره ۲۱۷۰۱

۲۹۲۰

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

۲ کارت زردهای سیستم ایمنی

۳ مغفول مانده ترین راه تقویت ارتباطات

۳ ترندهای غلبه بر کمال گرایی بیش از حد

۱۴ طنز | رونمایی از هوش مصنوعی ارزان هندی



استعداد مهم تر است یا تلاش؟

کریس رونالدو جواب می دهد!

برای بسیاری استعداد و پشتکار دو عامل مهم موفقیت هستند. البته در این بین بحث بر سر این که کدام یک از این دو اهمیت بیشتری دارند، از موضوعات محل اختلاف است. اگر مسیر موفقیت در زندگی را مسیر مسابقه دو در نظر بگیریم، در این مسابقه همه ما در زمان شروع در کنار همدیگر قرار نگرفته ایم. برخی به دلیل شرایط خانوادگی خود (موجب داشتن خانواده ای صمیمی، نبود مشکل اقتصادی، والدینی دغدغه مند، تربیت اصولی تر و ...) چند قدم جلوتر هستند. برخی هم ممکن است به واسطه استعداد، شرایط خانوادگی خوب و محیط اجتماعی مساعد که امکانات کافی در اختیار آن ها قرار داده است، چندین و چند قدم از بقیه جلوتر باشند.

مسابقه بهترین بودن شروع می شود

حالا تصور کنید در شرایطی که هر کدام از ما در نقطه ای مخصوص به خودمان قرار داریم، مسابقه آغاز می شود و باید برای دستیابی به موفقیت تلاش کنیم. مسابقه ای که با توجه به مسائل مطرح شده، چندان منصفانه نیست چون بعضی از شرایط آن، اصلاً در اختیار ما نیست که بهترشان کنیم. اگر کسی از شما بپرسد چه کسی می تواند در طول این مسابقه عملکرد بهتری داشته باشد، چه جوابی به او خواهید داد؟ اگر در ابتدای مسیر در شرایط نامناسبی قرار داشته باشیم، نیاز به تلاش بیشتری خواهیم داشت اما مهم این است که بدانیم شروع سخت در زندگی به معنای آن نیست که هیچ راهی برای بیرون رفتن از آن شرایط وجود ندارد.

بهترین بودن، یا بهترین ماندن؟

برای بهترین بودن در جهان قطعاً استعداد مهم است، اما برای بهترین ماندن پشتکار حرف اول را می زند. مثال مهمی در این رابطه بین فوتبال ها وجود دارد که می توان آن را به مسائل مختلف زندگی تعمیم داد. می گویند با تمرین می توان فوتبالیست خوبی شد اما مارادونا نه. رونالدینیو استعداد عجیبی بود؛ اگر به مهارت هایش دقت کنیم کمتر فوتبالیستی می توانست مثل او فوتبال بازی کند؛ اما قطعاً پشتکار کریس رونالدو در او وجود نداشت. او در فوتبال به دنبال رکورد و جاه طلبی نبود؛ سعی می کرد لذت ببرد و همین باعث شد او استمرار بازیکنی مثل کریس رونالدو را نداشته باشد. نیمار هم مثل هموطنش و خیلی از بازیکنان آمریکای جنوبی از جمله مارادونا، روماریو و ... از نبوغ زیاد و پشتکار کم و البته حواشی زیاد همزمان بهره برده بود. تصور کنید بازیکنی مثل مارادونا اگر درگیر انواع حواشی نبود چه استمرار شگفت انگیزی می توانست داشته باشد. نیمار هر چند جنس حواشی مارادونا را تکرار نکرد، اما همیشه در معرض این نقد بود که اهل تمرین زیاد نیست، به بهانه مصدومیت به سفر می رود و دنبال انتخاب های ساده به جای جاه طلبی های بزرگ است.

مردی که تسلیم شدن نیست

در مقابل کریس رونالدو تسلیم نشدنی است. او بعد از رتال مسیر دشواری را طی کرد. در یوونتوس درخشید، به منچستر رفت، جایی که تصور می کردند می تواند پایان فوتبالش باشد؛ خیلی ها این بازیکن با آن حجم از عناوین را

چنان اشباع شده می دانستند که فقط برای پول به عربستان برود. اما آن جا با انگیزه یک بازیکن جوان بعد از هر گل خوشحالی می کند و عملکردی جالب دارد. همین ناامید نشدن و داشتن امید برای رسیدن به موفقیت در کنار تلاش است که رمز دستیابی به هر هدفی در زندگی محسوب می شود. کریس قطعاً با یکن بزرگی است اما در استعداد بعید است به اندازه مارادونا، مسی و شاید نیمار ویژه باشد. مشکلات مالی خانواده رونالدو در کنار داشتن پدری معنای به الکل، او را در ابتدای مسیر موفقیت چند قدمی عقب تر از خیلی ها قرار داده بود اما رونالدو به تلاش داشتن رویاهای بزرگ مشهور است.

استعداد تنها کافی است؟

حالا بد نیست در این زمینه صحبت های خود کریس رونالدو را هم مرور کنیم. چند وقت قبل در حاشیه یک نشست خبری باشگاه النصر عربستان، پسری به زبان پرتغالی به رونالدو گفت که صحبت های این ستاره پرتغالی در آخرین سفرش به کشور ژابن الهام بخش او بوده و باعث شده تا او پیشرفت کند و قهرمانی مسابقات دبیرستان های کشور را به دست آورد. کریس هم در این برنامه خطاب به کودکان گفت: «من همیشه خوشحال می شوم که کودکان به خواسته های خود می رسند. همان طور که گفته ام به خودتان باور داشته باشید چرا که استعداد به تنهایی کافی نیست. شما باید همراه با استعداد تلاش کنید. اگر این کار را نکنید به مهم ترین خواسته خود نمی رسید. خیلی خوشحالم که حرف های من روی آن بچه تاثیر گذاشته است و آرزو می کنم بچه های دیگر هم بتوانند در زندگی خود موفق شوند. من پنج فرزند دارم و همین آرزو را برای فرزندانم هم دارم. برای همه بچه ها آرزوی موفقیت می کنم و توصیه من به آن ها این است: موفقیت در زندگی تنها با تلاش زیاد به دست می آید.»

استعداد با تلاش شکوفا می شود

همان طور که خواندید رونالدو بر این باور است که استعداد لازم

است، اما کافی نیست و با تلاش شکوفا می شود؛ بله، در دست است. استعداد همان توانایی بالقوه یا ویژگی ذاتی و ارثی یا پتانسیلی است که هر فرد در یک یا چندین زمینه خاص از بدو تولد دارد و اکتسابی نیست که صرفاً اگر شرایط برایش فراهم شود، قابل بالفعل شدن است. البته فردی که در یک زمینه خاص استعداد دارد، نسبت به افرادی که آن استعداد را ندارند، با تلاش کمتر و بهتر و راحت تر می تواند آن را شکوفا کند. این استعداد می تواند در زمینه توانایی های حسی (بینایی، بویایی، لامسه، شنوایی، چشایی، حافظه، خلاقیت و ...) باشد از قبیل تیزبینی یا توانایی های حرکتی همچون سرعت واکنش یا توانایی های ذهنی (تمرکز، توجه و ...) . دقیقاً مشابه بذر گیاهان که تا در شرایط مساعد رشد (خاک مناسب، آب، نور و ...) قرار نگیرند، همان بذری می ماند.

مسئول نتایج زندگی مان هستیم؟

موفقیت حتی در صورتی که استعداد داشته باشیم بر مبنای شانس و اتفاق حاصل نمی شود. بسیاری از افراد منبع کنترل درونی دارند. این افراد بر این باورند که موفقیت و شکست شان صرفاً حاصل عملکرد و تلاش خودشان است. این افراد موافق باور رونالدو هستند. برعکس افرادی هستند که منبع کنترل بیرونی دارند و بر این باورند که تلاش بی فایده است و صرفاً شانس سبب موفقیت می شود و این باور یاس و ناامیدی و رکود حسرت بیشتر را در آن ها ایجاد می کند. افرادی که منبع کنترل درونی دارند، احساس کنترل بیشتری بر زندگی خود دارند و کمتر دچار درماندگی یا افسردگی می شوند.

نداشتن استعداد بهانه ای برای شکست نیست

حالا از ما جرای فوق ستاره بودن در ابعاد جهانی فاصله بگیریم و موضوعات معمولی تر در زندگی روزمره را مرور کنیم. در این سطح بد نیست بدانید افرادی که در یک زمینه خاص استعداد ندارند با تلاش می توانند بیشتر از افرادی که استعداد دارند اما اهل تلاش نیستند، موفق شوند. مادر بین اطرافیان مان شاهد افرادی هستیم که از معلولیت های جسمانی، نابینایی، ناشنوایی و ... رنج می برند، اما با سعی و تلاش و پشتکار فراوان در زمینه های خاص ورزشی و هنری موفقیت هایی را کسب می کنند. بنابراین نداشتن استعداد نباید بهانه ای برای افرادی باشد که شکست خورده اند. آن چیزی که در این بین حرف اول و آخر را می زند، همان توصیه رونالدو است؛ یعنی تلاش و داشتن پشتکار.

